

## پیامهای تربیتی و رفتاری

### در اشعار ابن‌یمین

اثر: دکتر قاسم صافی

استادیار دانشگاه تهران

(از ص ۲۳۵ تا ۲۴۹)

### چکیده:

نگارنده در مقاله حاضر، ضمن پرداختن به شخصیت علمی و اخلاقی و دیدگاهها و نظرات ابن‌یمین فریومدی (متوفی ۷۶۹ ه.ق)، او را جستجوگری معرفی می‌کند که در طرح مسائل اخلاقی و زمینه‌های تربیتی و رفتاری، بسیاری از راهها را آزموده و صادقانه از دیدگاه یک آموزگار، موضوع آزادی حقوق بشر و روابط فکری و فرهنگی و مناسبات میان افراد را با پیام شاعرانه و با بیان احساسی که از شناخت هستی و ناپایداری دنیا دارد، از طریق تذکار و نصیحت و هشدار مطرح ساخته است؛ با این تأکید که در برابر فشارهای پنهان و آشکار، باید از خرد پیروی کرد و در اداره آزادی و فضیلت خواهی، برای هر غیرتمند میسر است که با ایمنی و اخلاق و با صراحت به وظیفه خویش قیام کند. اگرچه ضمانت قضا و قدر بر او نیست.

واژه‌های کلیدی: همبستگی، آزادگی، ادب‌آموزی، شرافت‌خواهی،

خردورزی، ظلم‌ستیزی.

مقدمه:

بزرگوار وزیرا نصیحتی بشنو

ز بنده‌ای که تو را هست مشفق جانی

یقین شناس که تو نیستی به شغل اولی

ز هر که هست به گیتی ز انسی و جانی

کسی به نزد تو گر حاجتی کند عرضه

برآر حاجت او را، چنانکه بتوانی

مکن به شغل تعلل که وقت معزولی

کس از تو یاد نیارد به هیچ تاوانی

بررسی سوابق تاریخی تعلیم و تربیت در ایران، نشانگر و مؤید این مطلب است که عالمان برجسته و شاعران زبردستی ظهور کرده‌اند که در نوشته‌ها یا اشعار خود، هدایت انسانها، رشد اخلاقی آنها و در یک کلام کمال‌گرایی انسانها را مورد بحث جدی قرار داده‌اند. یکی از این برجستگان ادب ایران که گنجینه‌گرانبهایی از گوهرهای آبدار الفاظ و معانی و حکمت و فلسفه و پند و اندرز به وجود آورده و برای انسانهای بعد از خود به میراث گذاشته، این یمین است و آثار او که واجد پیامهای گوناگون تربیتی است، می‌تواند مبنای اساسی در مباحث تعلیم و تربیت کشور و در مسیر تربیت انسانی قرار بگیرد.

معمولاً زندگینامه شخصیت‌های برجسته ادبی را از چند نظر مورد بحث قرار می‌دهند: از جمله از لحاظ کمیّت و کیفیت آثار گوناگون به یاد مانده از آنان و شرح تلاشها و کوششها و وقایع زندگیشان از دید جامعه‌شناسانه و موقعیتهای اجتماعی نسبت به رفتار و کنش و سلوک و مبانی اخلاقی ایشان و همچنین از دیدگاه روانشناسی و از لحاظ پیامها و نکته‌های تربیتی و کمالات انسانی و نقش سازنده فردی و اجتماعی و جز آن.

نگاه من در موضوع مورد نظر، نگاهی عارفانه و دیدی زیباشناسانه است. دیدن زیباییها و زیبا دیدن. معتقدم جامعه‌ای که توفیق بیشتر در پرده‌برداری از حُسنها دارد، توفیق بیشتری نیز در عبادت خداوند خواهد داشت. حسن در همه چیز وجود دارد، فقط کاشف می‌خواهد، البته این کافی نیست که چیزی را در ذهن یا در دل داشته باشیم و یا خود را کاشف چیزی بدانیم، بلکه لازم است نظریه و تفسیری هم برای آن داشته باشیم.

\*\*\*

ابن یمین فریومدی (متوفی ۷۶۹ ه. ق) در امر تبیین ارتباط انسان با هم‌نوعان خود که از مسائل مهم در شناخت انسان است، باور دارد که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی او ماهیت اجتماعی دارد که ناگزیر باید زندگی اجتماعی را بپذیرد و برای رفع نیازهای خود و در جهت همبستگی واقعی بین انسانها با دیگران زندگی کند، از امکانات متنوع هم‌نوعان بهره‌مند گردد و در رفع نیازهای دیگران برای بهره‌گیری بهتر از مواهب خلقت تا حد توان بکوشد. از این سبب در مقام وظیفه‌نماینده‌گی از سوی مردم و ایجاد دوستی و پیوند محبت قلبی و عاطفی با آنان، موضوع آزادی حقوق بشر و روابط فکری و فرهنگی میان افراد را مطرح کرده و به نظم آورده است، نظیر حقوق افراد جامعه نسبت به هم، حقوق پدران و مادران نسبت به فرزندان، حقوق حاکمان نسبت به رعیت، وظایف افراد در خدمات اجتماعی به یکدیگر و جز آن.

این سخنور خوشکلام چون چاره‌ای از ارتباط آدمیان با یکدیگر نمی‌بیند و در عین حال نگاهی مشرف به وقایع اجتماعی دارد و تردید ندارد که ارتباط انسانها نه بر مبنای معیارهای ظاهری، بلکه بر اساس شاخصهای والای معنوی شکل می‌گیرد، به طرح مسائل اخلاقی می‌پردازد که افراد در ارتباط با یکدیگر و در مناسبات اجتماعی با آن رو به رو می‌شوند و با بیان احساسی که از شناخت هستی و ناپایداری دنیا دارد، طرحی را به منزله‌الگوی راه در برابر جریانات اجتماعی و

خلق و خواهی متفاوت آدمی و تفاوت‌های فردی ترسیم می‌کند و سرانجام آدمی را به کف نفس (کنترل حواس در پندار و گفتار) راهنمایی می‌کند تا از این طریق بتواند دلها را به هم نزدیک ساخته و پیوند آنان را مستحکم سازد و آن گروه از افراد بشر را که بی‌رحمانه به جان هم می‌افتند، هشدار دهد.

ابن یمن برای بیان اندیشه، اقسام شعر فارسی بخصوص قطعه را که زمینه مناسبی برای این منظور است، برمی‌گزیند و از این طریق، در حوزه اخلاق و اندیشه اجتماعی راه جدیدی می‌گشاید؛ راه درست را از غلط باز می‌شناساند و یاد دادن و یادگیری را برای خود مهم می‌داند. احساس و افکار او در اشعار حکیمانه و تربیتی وی، قلب آدمی را جلا و صفا می‌دهد و روح را از قفس جسم آزاد می‌کند و قناعت پیشگی، ادب آموزی، شرافت خواهی، راستی و راستگویی، ظلم ستیزی و خاکریزی در دید منت گذاران را که از جمله سجایای اخلاقی او به شمار می‌روند، توصیه می‌کند.

گویی ابن یمن معتقد بود اندیشه‌هایی که بشر در دست دارد، باید خوانده شود و بعد الفاظ آنها فراموش شود. او بستر خود را تعیین می‌کند که در فطرت آدمی است - خط مستقلی در خط فرهنگی حاکمیت دوران خود - با این اعتقاد که در مقابل هیچ کس نباید زانو زد، همه رونده‌اند. بنابراین با اشعاری که می‌سراید و تراوشات ذهنی خود را مطرح می‌سازد، اندیشه‌اش را امضا می‌کند و برای نسل‌های آینده باقی می‌گذارد و بدین ترتیب دارای سندی مکتوب می‌شود که در همه ادوار به کار می‌آید. آموختن آن دسته از رفتارها، شیوه‌های تفکر، احساس و عمل که دارای ارزش اجتماعی است و انسان را یاری می‌دهد تا عضو مفید و مؤثری از جامعه بشود. بالاتر از همه، او الهام بخش آزاد مردان و مربیان است که هر جا بخواهند سخن بگویند و نمونه بیاورند، اشعار وی را در هر مورد وسیله روش‌گویی، نقطه عطف قرار دهند؛ در ایمان و توحید و عشق و عرفان، در عفت و پارسایی و توکل به خدا، در پیامهای اخلاقی و تربیتی و رفتاری با ناکسان، در اسوه

قرار گرفتن و دادن آگاهی به مردم و آگاه ساختن آنان به حق و عدالت و هستی، در احراز مقاومت و صبر و شکیبایی و انجام آزمایش واقعی در هستی، در دوری گزینی از دنیا طلبی و قدرت طلبی و انگیزه‌های مادی، در کسب شرایط مهتری و سروری و خردورزی و هنرورزی و مدیریت و شور و مشورت و ...

ابن یمین از جمله کسانی بوده که با این مسائل روبه رو شده و به تحوّل روحی بزرگی دست یافته است و مثل ناصر خسرو، بیدارگری و دگرگونی ارزشمندی در او انجامیده است.

بهترین مراتب آن باشد	کان به فضل و هنر به دست آید
رتبته‌ی کان نباشد استحقاق	زودش اندر بنا شکست آید
مرد باید که هر کجا باشد	عزّت خویشتن نگه دارد
خود پسندی و ابله‌ی نکند	هر چه کبر و منی ست بگذارد
به طریقی رود که مردم را	سر مویی ز خود نیاز دارد
همه کس را ز خویش به داند	هیچ کس را حقیر نشمارد
سر و زر در طلب نهد آنگه	تا مگر دوستی به دست آرد

با وجود آنکه این شاعر در ملازمت درگاه سلاطین و امرا بوده و بنا به مقتضیات و شرایط زندگی دوره حیات خود، به مدح برخی از ممدوحان پرداخته، باز از میان شعرا در داشتن زبان تلخ و ناگوار نصیحت و پند و اندرز سودمند، ممتاز است. مستبدان و نفس پرستان را گاه به دور از بیدادگری دعوت می‌کند و گاه به مناسبت و در قالب توصیه و سفارش، آنان را به تأمل در امور و پرهیز از تعجیل در صدور فرمانهای بی مطالعه و در حال غضب فرا می‌خواند و اجتناب از ظلم و ستم و صفات ناپسند را گوشزد می‌کند. همچنین عامه مردم را نسبت به حقوق یکدیگر و با مراتب اخلاقی، تربیتی و امور مدیریتی آشنا می‌سازد و در این عرصه، صبغه حمایت از مظلوم دارد.

شبی در تواریخ کردم نگاه      شعار بزرگان پیشینه را

درم را بدان گونه افشاند  
 ولیکن بزرگان این عصر ما  
 چنانند کز بهر توفیر خویش  
 هر آن کس که مدح چنین ها کند  
 که در پیش مرغان کسی چینه را  
 که صیقل زنند از دل آینه را  
 ز هفته بدزدند آدینه را  
 نهد در برگاو بوزینه را

ابن یمین بر اساس معرفت‌های فطری و خانوادگی، به گونه‌ای پا گرفته که از بند حرص و حسد و حقه بازی و کینه آزاد باشد و این تربیت باوری یعنی این تفسیر برتر را در قالب نظم و نصیحت انتقال دهد. توضیحات او می‌تواند زندگی را تحول دهد و حیات جدیدی ایجاد کند که این خود، فرهنگی است به عنوان سرمایه‌ای قابل توجه و به منزله آخرین و متکاملترین وسیله ایجاد امنیت و تداوم زندگی.

هر بلایی که می‌شود واقع  
 چو نکو بنگری طمع باشد  
 گر نبودی طمع، نیفتادی  
 هر که نقش طمع ز لوح ضمیر  
 از طمع دور باش ابن‌یمین!

در میان خلائق عالم  
 منشأ آن بلا ز بیش و ز کم  
 از بهشت برین برون آدم  
 بسترد، وارهد ز محنت و غم  
 گر دلی بایدت خوش و خرم

امروزه، جامعه‌ای را جامعه موفق می‌دانند که در آن آزادی مطرح باشد و بتواند سرنوشت نهایی خود را با قلم اختیار و انتخاب خویش رقم زند. توجه به انسان آزاده و تربیت عالی که مایه و پایه کلیه حرکات و فعالیتها و جهت‌گیریهای انسان را در مسیر کمال تشکیل می‌دهد، از اهداف تعلیم و تربیت امروزی است و در این زمینه ابن یمین به این مفهوم اشاره دارد که انسان باید بتواند از حقوق خود دفاع کند، به اظهار نظر پردازد، دیدگاهها و نظرات خود را مطرح کند و از فضای مساعد برای ارائه نظر خود همواره برخوردار باشد. هم خود به ایجاد شرایط مساعد برای آزادی گام بردارد و هم با پیامهایش به آزاد بودن و آزادی ارزش بدهد، با ظلم و ستمکاری مبارزه کند و از مردمان آزاده تعریف و تمجید کند و از زبونی در نزد مردم بپرهیزد.

در دانش مدیریت امروز، مدیری را قابل می‌دانند که زمینه را برای کار در خدمت انسانها و حل مسائل آنان مساعد کند. آنچه که سازمانها برای آن پدید می‌آیند و آنچه که مورد تأیید همه علمای جامعه شناسی و روان‌شناسی و اخلاق قرار گرفته است خدمت به خلق و رفع نیازهای مردم است. در مکتب اسلام مفهوم «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» نشانه توجه جدی به مردم و رفع نیازهای آنان است. از اینرو در آثار ابن یمین این توجه را به خوبی می‌یابیم.

پادشاهی نزد اهل معرفت آزادگی است هر که بند آرزو بگشاد از دل پادشاست

\*\*\*

سود دنیا و دین اگر خواهی	مایه هر دوشان نکو کاریست
راحت بندگان حق جستن	عین تقوا و زهد و دینداریست
گر در خُلد را کلیدی هست	بیش بخشیدن و کم آزاریست

\*\*\*

هنر ببايد و مردی و مردمی و خرد  
بزرگزاده نه آن است کو درم دارد  
ز مال و جاه ندارد تمتعی هرگز  
کسی که بازوی ظلم و سر ستم دارد  
خوشا کسی که از او هیچ بد به کس نرسد  
غلام همّت آنم که این قدم دارد

\*\*\*

ابن یمین به نعمت آزادی در صحنه زندگی خویش باور و اعتراف داشت. در نظر او انسان برجسته، انسانی است که از آزادی برخوردار باشد و از قید امیال شخصی و تعینات اجتماعی رها شود و همچون پرنده شکیبایی که عزم پرواز دارد و عازم هر تلاش و کوششی است، باشد.

ابن یمین از نظر تربیتی و اخلاقی، جستجوگری است که راهها را آزموده و مطرح

می‌کند. پیشنهادهای او فرصت طلبانه نیست، بلکه آنچه را پیدا می‌کند، صادقانه و از دیدگاه یک آموزگار می‌گوید و تأکید دارد که در برابر فشارهای پنهان و آشکار، باید از خرد پیروی کرد و در اداره آزادی و فضیلت خواهی برای هر غیرتمند لازم است که با ایمنی و اخلاق و با صراحت به وظیفه خویش قیام کند؛ اگرچه ضمانت قضا و قدر بر او نیست و همچنین توصیه می‌کند که از نفس پرستان و ناکسان دهر نیز مطلقاً امید خیری نیست و اگرگاهی اظهار ناله و دردمندی کنند، به قصد فریفتن و ایجاد ارتباط با دید منفعت جوینان است.

رسم کرم مجوز بخیلان روزگار

نشنیده‌ای که میوه نروید ز چوب خشک

از ناکسان دهر امید وفا مدار

ناید ز جیفه سگ مردار بوی مشک

\*\*\*

تا توانی التماس از کس مکن      خاصه از ناکس که آن عین خطاست  
 گر دهد، مانی به زیر منتش      ورندادت، آبرویت را بکاست  
 گر کشد نفست بلاها، صبر کن      زانکه عزّ صبر به از ذلّ خواست  
 این شاعر آگاه با شیوه‌ای که برگزیده، سعی کرده حتی المقدور زبان گویای جامعه خویش باشد و با پیام شاعرانه و از طریق تذکار، نصیحت و هشدار، پیام مردم را به یکدیگر و به گوش امرا و مرقّه‌ان برساند و به گونه‌ای در امر تعلیم و تربیت افراد و آماده کردن آنان برای زیستن به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسانها در هستی تلاش کند و با اشعار خود هدایت انسانها و رشد اخلاقی آنان را مورد توجه قرار دهد.

این شاعر بنام در ضمن اشعار خود، توصیه‌های تربیتی جالبی را مطرح کرده و در یک کلام، کمال‌گرایی انسانها را مورد بحث جدی قرار داده و از زوایای مختلف به تربیت آدمی و تغییر رفتار او توجه کرده است. از جمله مواردی نظیر تقویت عزت



نفس، توجه جدی به آزادگی و جوانمردی، تواضع و فروتنی در زندگی، تحمل صبر و تقویت بردباری در آدمی، خودداری از خوبیهای زشت، پرهیز از معاشرت با ناکسان، مقاومت در مقابل زورمندان و راهنمای زیستن به آداب معاشرت که همه مؤید پیامهای تربیتی است و این معنی از قطعات اخلاقی معروفی که سروده و از این بابت در میان شاعران معاصر خود منفرد شده است، برمی آید.

ای دل غم جهان مخور، این نیز بگذرد

دنیا چو هست برگذر، این نیز بگذرد

گر بد کند زمانه، تو نیکو خصال باش

بگذشت از این بسی به سر، این نیز بگذرد

\*\*\*

هر حاکمی که مذهب ظلم آمدش پسند

آنها به خود گرفت و به خود انتساب کرد

او را به روزگار رهاکن که عن قریب

آرد به رویش آنچه به روز حساب کرد

\*\*\*

به هر دیار که در چشم خلق خوار شوی

سبک سفر کن از آنجا برو به جای دگر

درخت اگر متحرک بدی ز جای به جای

نه جوراره کشیدی و نه جفای تیر

\*\*\*

روزی چو مقدر است ای نیک خصال

بشنو سخن ستوده اهل کمال

شورابه دیده خور چو باشی تشنه

وز کوزه ناکسان مخواه آب زلال

دامن مرد کاهلی چو گرفت      گله از گردش زمانه کند  
مطرب از کار چون فروماند      خشم بر گوشه چغانه کند

ابن یمین را می توان یک انسان شناس و عارف به وجود آدمی، مصلح رفتار و مرشد اخلاق و شاعری درد آشنا و هستی بخش معرفی کرد. دقت نظر در پیامها و محتوای پرنغز و جامع اشعارش مؤید جامع اندیشی و نو آفرینی است. او از یک سو به خود آگاهی و خودسازی و چگونگی ارتباط آدمی با خویشتن خویش پرداخته است و از سوی دیگر رابطه آدمی را در هستی با جامعه و مردم گوناگون آن مورد بحث قرار داده است و بخصوص به ارتباط آدمی با خالق هستی اشاره دارد و عشق به خداوند و اطمینان به درگاه او را مورد تأکید قرار می دهد.

نگاهی گسترده به اشعار متعدد و متنوع این شاعر ارزنده، نشانگر آن است که موارد متعددی از چگونه زیستن آدمی در جهان هستی و در ارتباط انسان با خالق هستی در جامعه آن روز شاعر مورد بحث بوده اند، به عنوان مثال:

- ۱- کسب رضای خالق
- ۲- تلاش برای خدمت به مردم و نیازهای آدمی
- ۳- در عزت نفس و دوری از گدا صفتی
- ۴- اهمیت سکوت و خاموشی
- ۵- اصول و آداب معاشرت و مصاحبت با نیکان
- ۶- احتراز از استبداد و زور و اعمال قدرت و ستمکاری
- ۷- تشویق به فراگیری علم و ارزش دادن به خرد و مردمان خردمند
- ۸- توجه جدی به آزادی و آزادگی
- ۹- مقاوم بودن در زندگی و تحمل صبر و بردباری
- ۱۰- آداب مدیریت و مهتری و سروری
- ۱۱- تأمل در احوال دیگران و سرگذشت شاهان و عبرت گرفتن از هستی
- ۱۲- فضایل اخلاقی و راه و رسم ارتباط انسانی و اجتماعی

۱۳- اهمیت شور و مشورت و ویژگیهای مشاوران

برای آشنایی با اندیشه‌ها و پیامهای اخلاقی و رفتاری این نامی‌ترین قطعه سرای ایران و شناسایی بیشتر بعضی از وجه‌های شخصیت او، چند قطعه کوتاه را ذکر می‌کنیم:

کردند بدی به جای من جمع لئام      گفتم که نمایم به مکافات قیام  
عقلم بشنید، گفت: ای ابن‌یمین      از تو نسزد خلاف آیین کرام

\*\*\*

به راه راست توانی رسید در مقصود

توراست باش که هردولتی که هست توراست

\*\*\*

به هرکاری که خواهی کردن اوّل      تعقل کن تعقل کن تعقل  
مکن ای جان من از کس شکایت      توکل کن توکل کن توکل

\*\*\*

هر که در کارها مشاوره کرد      گلین باغ دولتش بشکفت  
هر مهمی که باشد از بد و نیک      در جهان با دو شخص باید گفت  
اولاً آنکه او به حقیقی      همچو الماس دُرّ تواند سفت  
ثانیاً با کسی که صورت صدق      با تو بیرون بیاورد زنهفت

\*\*\*

علمی که تو را می‌نرساند به کمال      مالی که تو را می‌نکند نیکو حال  
بگریز از آن علم و از آن مال ببر      کان علم ضلال آمد و آن مال و بال

\*\*\*

خواهی که خوار می‌نشوی ای عزیز من

هرگز به ذمّ کس نزن پیش کس نفس

زیرا که با تو کس نکند ماجرا در آنک  
به هر چه یاد می‌کنی پیش من ز کس  
و آن کس که شهره گشت به بدگفت در جهان  
کس را به صحبتش نبود در جهان کس

\*\*\*

خواهی که تورا هیچ بدی ناید پیش  
تا بتوانی سخن مگوی از کم و بیش  
زیرا که زناگفته پشیمان نشوی  
وی بس که پشیمان شوی از گفته خویش

\*\*\*

هر که در محنتی گرفتارست	صبر، او را نکوترین کارست
ز انتظار ارچه باشدش نوری	سهل باشد که عاقبت روزی
یا قدم در ره مراد نهد	یا از آن انتظار باز رهد
امتحان کرده ایم و دانسته	به صبوری گشاده شد بسته
تو هم ابن یمن برین می باش	مگذار عمر خود به بوک و به کاش

\*\*\*

چون جامه چرمین شرم صحبت نادان  
زیرا که گران باشد و تن گرم ندارد  
از صحبت نادان بترت نیز بگویم  
خویشی که توانگر شد و آرم ندارد  
زین هر دو بتر دان تو شهی را که در اقلیم  
با خنجر خونریز دل نرم ندارد  
زین هر سه بتر نیز بگویم که چه باشد  
پیری که جوانی کند و شرم ندارد

ای دل اگر زمانه به غم می‌نشاندت-  
بنشین و صبر کن که صبوری دوی اوست  
با دور روزگار نشاید ستیزه کرد  
و آنکس که کرد این مثل خوش برای اوست  
با ژنده پیل، پشه چو پهلو همی زند  
گر جان به باد بردهد، الحق سزای اوست  
گر کار عاقلی نرود بر ره صواب  
از وی مبین که آن نه ز فکر خطای اوست  
ور جاهلی به منصب و مالی رسد، مگوی  
کآن مال و منصب از شرف و عقل و رای اوست  
چون کارها به جهد میسر نمی‌شود  
آن زبید از کسی که خرد رهنمای اوست  
گر کار نیک و بد نشود بر مراد او  
داند که هر چه هست، به حکم خدای اوست

\*\*\*

مکن هرگز ستم بر زبردستان      که ایشان چون تو حق را بندگان اند  
حیات دائم از داد و دهش جوی      که نوشروان و حاتم زندگان اند

\*\*\*

کسی که با تو نکویی کند، چو بتوانی  
در استمالت او کوش و در مراعاتش  
وگر بدی کند، او را به روزگار سپار  
که روزگار دهد بهر تو مکافاتش

\*\*\*

مردی که صلاح خود نداند در کار  
و آن هم ننیوشد که بدو گوید یار  
او را بگذار و خیر ازو چشم مدار  
کاو سیلی روزگار یابد بسیار

\*\*\*

### نتیجه:

بنابراین، اگر هدف از تعلیم را انتقال عناصر فرهنگ به نسل نوخاسته تعریف کنیم و سعادت و کمال را درگرو شناخت هدف و آگاهی از فلسفه حیات بدانیم، و تربیت را فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه آدمی؛ و اگر هدف از تزکیه را پاکسازی وجود و رفع مانعها و عایقها بدانیم؛ و اگر انسان را در هستی گرفتار زندانهای طبیعت، جامعه، و خویشتن بینی معرفی کنیم با انسان سعادت مند را انسان عالم، خلیق، متواضع و صبور و آزاده بدانیم، و اخلاص، قصد قربت و کسب رضای خالق را اساس زیستن و جدیت ذکر کنیم و اگر هنر و پرورش استعدادهای هنری را زمینه ساز قیمتی کردن دست و مغز آدمی بدانیم و هدف از علم تاریخ را عبرت گرفتن برای زیستن بهتر و تفکر منطقی ذکر کنیم؛ و اگر مدیریت را هنر، علم، تجربه و استفاده بهینه از توانمندیهای انسانی تعریف کنیم، به یقین ابن یمین در پیامها و اشعار ارزشمند خود این زمینه را فراهم ساخته است و خالی از هرگونه تکلف و خودنمایی، سخن خود را در این عرصه روان و منسجم بیان کرده است.

### منابع و مأخذ:

۱. آتشکده آذر، لطفعلی بیکنب آقاخان، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶-۱۳۴۰، ص ۳۷-۳۹.
۲. احوال ابن یمین، رشید یاسمی، تهران، کتابخانه شرق، ۱۳۰۳.

۳. تاریخ ادبیات فارسی، ذبیح‌الله صفا، تهران، فردوس، ج ۳، ۱۳۷۳، ص ۹۵۱-۹۶۲.
۴. تذکرة الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، تصحیح محمد عباسی، تهران، بارانی، ۱۳۲۷، ص ۳۰۷.
۵. حبیب‌السیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواندمیر، بمبئی، ج ۳، ۱۳۷۲، ص ۳۸۶.
۶. دیوان اشعار ابن‌یمین فریومدی، تصحیح حسینعلی باستانی راد، تهران، سنایی، ۱۳۴۴.
۷. دیوان و قطعات و رباعیات ابن‌یمین، تصحیح سعید نفیسی، تهران، مروج، ۱۳۱۸.
۸. ریاض‌العارفین، رضاقلی هدایت، تهران، ۱۳۴۴، ص ۲۷۹-۲۸۰.
۹. مجالس المؤمنین، قاضی نورالله، ص ۵۱۵-۵۰۶.
۱۰. مجمع‌الفصحاح، رضاقلی هدایت، ج ۲، ص ۲ به بعد.
۱۱. مجمل فصیحی ذیل حوادث سالهای ۷۴۳ و ۷۶۹ هجری، تصحیح محمود فرخ، مشهد، ۱۳۳۹.

